



انترناسیونال

۷۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲۵ دی ۱۳۸۳، ۱۴ ژانویه ۲۰۰۵

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدبیر: محسن ابراهیمی

پیام به کارگران نساجی

حمید تقوایی، آذر ماجدی

صفحه ۷

ترور فعال کارگری در عراق! افسانه نوروژی آزاد میشود

مینا احدی

صفحه ۶

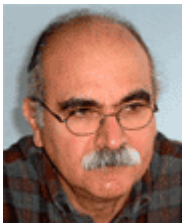
ناصر اصغری

صفحه ۸

در حاشیه رویدادها

سیاوش دانشور

صفحه ۸



طوفان در فنجان، نگاه مجددی به طرح رفرا ند م!

حمید تقوایی

رفرا ند م راضی کرده بود حالا با این اتحاد نامیمون "شیخ و شاه" چه باید

صفحه ۲

کرده باشند، لطمه نمیزند؟ تکلیف رفرا ند م مچیهای "برانداز" چه میشود؟ آیا این فروختن "انقلاب مخملی" به "استحاله" نیست؟ در این میان مجاهدی که خود را به

به صف رفرا ند م بحث و جدلهای تازه ای را در میان این نیروها برانگیخته است. آیا این "شاهکار" به "راهکار" تازه اصلاح طلبان دو خردادی، هر قدر هم که از درون به بیرون رژیم کوچ

سرنگونی و بالاخره انقلاب و یا تغییرات تدریجی، اینها مسائل اصلی است که رفرا ند مچیها با آن کلنجار میروند و راه بجائی نمیبند. مسائلی که با پیوستن رضا پهلوی

در اساس و در کنه هیاهویی که بر رفرا ند م برافرا داده است مساله حکومت قرار دارد. سرنگونی و یا اصلاح رژیم، اصلاح از درون و یا از بیرون، رفرا ند م قبل و یا بعد از



بازگشت از عراق، مصاحبه با عصام شکری دبیر کمیته اجرایی حزب کمونیست کارگری چپ عراق

با حمایت و تایید رفیق منصور حکمت در دهه نود شکل گرفته بود، در جریان اختلافات درونی حزب

صفحه ۳

در مخالفت با موضع عجولانه و راست روانه رهبری حزب در رابطه با انشعاب در حزب کمونیست کارگری ایران اتفاق افتاد. رهبری حزب کمونیست کارگری عراق، حزبی که

کارگری همچنانکه منصور حکمت بنیانگذاری کرده است را ادامه میدهد. تشکیل حزب در ادامه تلاش سخت تعدادی از رفقا در داخل حزب کمونیست کارگری عراق

رهبری حزب کمونیست کارگری عراق از جنبش کمونیسم کارگری تشکیل شد تا به نیاز جامعه عراق به یک حزب سوسیالیست جواب بدهد. حزبی که خط کمونیسم

انترناسیونال: حزب کمونیست کارگری چپ عراق در تاریخ ۱۷ اکتبر ۲۰۰۴ اعلام موجودیت کرد. این حزب چرا، چگونه و طی چه پروسه ای تشکیل شد؟

عصام شکری: حزب کمونیست کارگری عراق بعد از فاصله گرفتن

همبستگی جهانی کارگری!

اعلام پشتیبانی فدراسیون اتحادیه های آزاد بین المللی از کارگران نساجی کردستان

صفحه ۵

نامه اعتراضی کنگره کار کانادا به خاتمی در مورد کارگران نساجی کردستان

کارگران ایران خودرو: باید سنگرهای ضد کارگری را یکی پس از دیگری فتح کنیم!

صفحه ۴

تجمع اعتراضی پرستاران در مقابل مجلس، سر آغاز یک اعتراض گسترده است

صفحه ۷

طبقه کارگر ستون اصلی انقلاب!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در باره اعتصاب پیروز کارگران نساجی سندج

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

طوفان در فوجان

بکند؟ ضد انقلاب ۵۷ دوباره گرد می آید، سرنگون شدگان و غاصبان انقلاب ۵۷ جمع میشوند تا برای مقابله با انقلاب دیگری خود را آماده کنند. اما در عین حال از گذشته نمیتوانند رها شوند، از سایه یکدیگر میهراسند و صفوفشان هنوز شکل نگرفته به هم میریزد. توفانی در فوجان اپوزیسیون راست در گرفته است. طرح فرماندوم بیش از آنکه توجهی را در جامعه و در میان مردم برانگیزد بیشتر باعث جدل و کشمکش در خود صفوف دو خردادیها و اپوزیسیون راست شده و بازار "گفتمان" در میان خودشان را گرم کرده است.

در برابر این هیاهو، مردم "گفتمان" و "راهکار" خود را دارند. تنها در همین دو سال اخیر از شورهای شهری بعد از انتخابات مجلس هفتم گرفته تا کمپین نجات حاجیه از سنگسار و اجتماع دانشجویان با شعارها و پرچم چپ در ۱۶ آذر و اعتصاب کارگران نساجی سنجند و ایران خود رو تهران، مردم عملا بارها و بارها کيفرخواست و حکم خود را در برابر کلیت این نظام اعلام کرده اند: جمهوری اسلامی باید برود! "راهکار" مردم انقلاب است و دقیقا روی آوری بخش هر چه وسیعتری از مردم به این راه حل است که هیاهوی فرماندوم را در میان نیروهای صف مقابل انقلاب بوجود آورده است.

فراندوم،

پاسخی به کدام مساله؟

ظاهرا فرماندوم محمل و قالبی است برای طرح مساله حکومت و تلاش برای "حل مساله جمهوری اسلامی" بدون انقلاب و بدون اصولا هر نوع ایفای نقش و اعمال اراده فعالی از جانب مردم. برخی از فرماندومچیها تاکید میکنند که فرماندوم در نهایت به تغییر حکومت منجر خواهد شد و این طرحی برای کنار گذاشتن جمهوری اسلامی است. مصرند

فرا تر نمیروند. منظور آنها حتی وقتی از تغییر رژیم صحبت میکنند، چیزی بجز تغییر و اصلاحاتی در دل همین نظام نیست (دقیقا همانطور که تلقیشان از مبارزه و اعتراض از نافرمانی مدنی فرا تر نمیروند). اگر این نیروها با انقلاب مخالفند دقیقا باین خاطرست که انقلاب کلیت این نظام را زیر و رو میکند. فرماندوم طرحی برای رهایی مردم از وضعیت موجود نیست بلکه برعکس عملا و نهایتا طرحی است برای نجات نظام موجود از چنگ مردم. عبارت دیگر، بر خلاف ادعای برخی از فرماندومچیها که مدعی اند از شکست طرحهای قبلیشان درس گرفته اند، در مضمون و ماهیت سیاستهای آنها تغییری حاصل نشده است. با انقلاب و سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی مخالف بودند و هنوز هم هستند. آنچه تازه است نحوه ابراز این مخالفت است. آنچه عوض شده صبندی و آرایش این نیروها در برابر مردم و در برابر صف مبارزات رادیکال کارگران و زنان و جوانان و پرستاران و معلمان و اکثریت قریب باتفاق مردم ایران علیه جمهوری اسلامی است.

شیوه های تازه و اهداف کهنه

این صبندی تازه از آنرو ضروری شده است که پاسخ تاکنونی نیروهای مخالف انقلاب به مساله حاکمیت نزد مردم کاملا رسوا و بی اعتبار شده و دیگر کاربردی ندارد. تز اصلاحات از درون مدتهاست به بن بست رسیده و دیگر حتی در میان دوخردادیهای درون حکومت نیز طرفداری ندارد و نشانیدن رضا پهلوی بر تخت سلطنت از طریق طرح رژیم چنج و تکرار سناریوی عراق در ایران که اساس آلترناتیو سلطنت طلبان بود نیز پوچی و بیحاصلی اش را به همگان نشان داده است. از سوی دیگر گسترش رادیکالیته شدن مبارزات مردم و در چشم انداز قرار گرفتن هر چه بیشتر افق انقلاب مساله

حکومت و بود و نبود نظام جمهوری اسلامی را بیش از پیش به مساله سیاسی روز جامعه تبدیل کرده است. فرماندوم قرار است پاسخ تازه ای به این شرایط باشد. قرار است بجای خواست مردم مبنی بر سرنگونی کل نظام، "تغییر قانون اساسی" را بنشانند، اعتراض و همه پرسی را بجای مبارزه همگانی بگذارد و همه واماندگان از "اصلاحات از درون" و "رژیم چنج از بالا" را حول هدف واحد مقابله با انقلاب متحد کند.

اینها دلایل واقعی طرح فرماندوم است. این طرحی برای حل مساله حکومت نیست، طرحی برای حل مساله خود فرماندومچیهاست. مساله ای که گسترش و رادیکالیته شدن مبارزات مردم و نفوذ و محبوبیت چپ در این مبارزات در برابر رژیم و کل اردوگاه هراسان از انقلاب قرار داده است.

مساله حکومت و راه حل مردم

مشکل "فرهیبختگان" و "نخبگان" طرحهای "از درون و از بالا" اینست که راه حلهای مشعشعشان هیچ ربطی به مردم، به مبارزات مردم و اعمال اراده مردم و مطالبات و خواستههای حق طلبانه مردم ندارد، و این حقیقت روز بروز بیشتر و بر افشار هر چه وسیعتری در جامعه روشن میشود. مبارزات هر روزه مردم، اعتراضات و اعتصابات و تظاهرات مداوم کارگران و زنان و دانشجویان و معلمان و پرستاران و ... خود به نحو صریح و محکم و تردید ناپذیری رسوائی و بی اعتباری آلترناتیوهائی که نمیتوانند نقش و اراده مردم و مبارزات رادیکال آنها را برسمیت بشناسند آشکار کرده است. همین مبارزات رادیکال و بیوقفه، زمینه کسب محبوبیت و نفوذ آلترناتیو چپ، شعارها و سیاستها و تبدیل حکومتی چپ در بطن جامعه بوده است. آنچه امروز و در مقابل چشمان همه در جامعه دارد اتفاق میافتد روی آوری

بخش هر چه وسیعتر مردم به شعارها و سیاستهای چپ و بطور مشخص حزب کمونیست کارگری است. بر افراشته شدن پرچم نان و آزادی برای همه در ۱۶ آذر امسال از طرف دانشجویانی که خاتمی را به محاکمه کشیدند، کمپین موفقیت آمیز نجات حاجیه از سنگسار، و پیروزی کارگران اعتصابی در سنجند از جمله آخرین تحولاتی است که نقش و نفوذ چپ و حزب ما را در تحولات سیاسی جامعه بروشنی نشان میدهد. این تحولات بر متن و در ادامه حضور و فعالیت پیگیر ۲۵ ساله حزب و جنبش ما با پرچم انقلاب و سوسیالیسم صورت میگردد. امروز مردم، کارگران و دانشجویان و زنان و معلمان و پرستاران و همه اقشار معترض به وضع موجود به شعارها و سیاستهای چپ روی می آورند چون پاسخ خود را در این سیاستها می یابند. چون در تجربه روزمره شان و در اثر افشارگیهای پیگیر حزب ما، دریافته اند که "راهکارهای" از درون و از بالا ربطی به خواستهها و اهداف آنان ندارد. دریافته اند که برای کمترین بهبود در شرایط موجود باید خودشان به حرکت در آیند و مبارزه کنند. دریافته اند که راه رهایی و برابری نه از صندوق رای بلکه از مبارزه و انقلاب میگردد، و هرروز بیش از پیش در مییابند که برای تحقق "نان و آزادی برای همه" و "برای رفع تبعیض" باید برای سوسیالیسم پیا خواست. و هر روز بخش وسیعتری از جامعه به این حقیقت پی میبرد که نماینده و پرچمدار و پیشاهنگ این خواستهها و مبارزات، چهها، کنفرانس برلینیها، کانال جدیدیها، کمونیست کارگری ها هستند. اردوی انقلاب نیرو جمع میکند و به پیش میرود. فرماندوم و یا هر "راهکاری" که بخواهد در برابر این نیرو بایستد، خود در هم خواهد شکست. *

سوسیالیسم پیا خیز، برای رفع تبعیض!

از صفحه ۱ مصاحبه با عصام شكري

کمونیست کارگری ایران تصمیم گرفت از خط کورش مدرسی که تزه‌های راست را به عنوان خط منصور حکمت عرضه کرده بود حمایت کند. رفقای معترض صادقانه تلاش کردند وحدت حزب را از طریق تشکیل فراکسیون حفظ کنند اما با پاسخ سرکوبگرانه و بوروکراتیک و غیر سیاسی رهبری مواجه شدند. این وضعیت نهایتاً با اخراج سه رفیق و تعلیق یک رفیق دیگر به پایان رسید. ما باید تلاشمان را در خارج از حزب ادامه میدادیم. در نتیجه ما حزب جنبش کمونیست کارگری را تشکیل دادیم.

انترناسیونال: در حال حاضر فعالیتهایتان را روی چه عرضه‌هایی متمرکز کرده‌اید؟ و چقدر در این عرضه‌ها بیشتر روی کرده‌اید؟ ارگانهای تشکیلاتی و تبلیغی حزب الان در چه وضعیتی هستند؟

عصام شكري: ما فعالیتهایمان را روی درست کردن حزبی که به امر سوسیالیسم و رهائی مردم عراق خدمت کند متمرکز کرده‌ایم. ما تلاش میکنیم سوسیالیسم را به عنوان آلترناتیو در جامعه عراق پیش ببریم. روی ساختن تشکیلات، انتشار روزنامه‌ها و راه انداختن برنامه‌های تلویزیون و سایت اینترنتی متمرکز کرده‌ایم که از طریقشان موضوع سوسیالیسم و راه رسیدن به آن اساساً مورد بحث قرار میگیرد و استراتژی سوسیالیستی خود را در رابطه با وجوه با اهمیت مسائل سیاسی در عراق مثل "انتخابات"، تهاجم و اشغال توسط آمریکا، موقعیت کردستان عراق و همچنین یک تصویر روشن از اینکه چه باید کرد تا مردم عراق را از سناریوی سیاه نجات داد تبلیغ میکنیم. انتشارات ما بگرمی در عراق و جهان عرب زبان و همچنین سوسیالیست‌ها و برابری طلبان کشورهای غرب مورد استقبال قرار میگیرد. ما ای میلیهای حمایت و سمپاتی از اهدافمان از سودان، تونس، سوریه و اردن دریافت کرده‌ایم. در حال حاضر، نشریه بسوی سوسیالیسم را به زبان عربی و کردی، به ترتیب به صورت هفته‌ای و دو هفته‌ای منتشر میکنیم. ما همچنین نشریه سکولار را به صورت ماهانه منتشر میکنیم. برنامه تلویزیونی یکساعت در هفته داریم

کارگران، دانش‌آموزان، رسانه‌ها و مالی تقسیم کار کرد. به اضافه، دبیر تشکیلات به اتفاق آرا انتخاب شد. در رابطه با سلیمانیه، دیدار ما از آنجا کوتاه بود اما از نزدیک از طریق رفقای سلیمانیه راه انداختن تشکیلات در آنجا را دنبال میکنیم.

انترناسیونال: مسافرت اخیرتان امکان داد بار دیگر از نزدیک و بطور زنده در جریان اوضاع عراق قرار بگیرید. لطفاً خوانندگان انترناسیونال را در جریان وضعیت اجتماعی و سیاسی امروز عراق قرار بدهید.

عصام شكري: شرایط در عراق چه از لحاظ اجتماعی و چه از لحاظ سیاسی بسیار تیره و تار است. این نتیجه مستقیم تسلط نیروهای ارتجاعی است که در حال جنگ هستند. همچنانکه میدانید این نیروها مخلوق آمریکا هستند و به منظور حفظ تسلط آمریکا در آینده

عراق و منطقه و سرکوب جنبشهای چپ و رادیکال و جلوگیری از عروجشان و قدرت‌گیریشان مورد حمایت آمریکا هستند. جامعه زیر تهدید تروریسم آمریکا و اوباشان و باندهایش از یکطرف و بقایای بعث و اسلام سیاسی که مخالف حضور آمریکا هستند از طرف دیگر است. مردم، در نتیجه این جنگ میان تروریست‌ها نگران موجودیت فیزیکیشان هستند. بمباران، تیراندازی، دزدی آدم، انفجار، صحنه ماشینها و انسانهای تکه پاره شده، صحنه درهم ریختگی کامل در زندگی مردم، صحنه ترس و وحشت و استیصال، به روتین روزانه زندگی تبدیل شده است که در چشمان و سیمای مردم قابل مشاهده است. با این وجود نمیتوان گفت زندگی از حرکت باز ایستاده است. مردم به نوعی تلاش میکنند زندگی روزانه شان را ادامه بدهند اما به طور اجتناب‌ناپذیری میتوان استیصال، خشم و بیچارگی را در مردم دید. همچنانکه گفتیم نیروهای ارتجاعی مورد حمایت آمریکا به زور بر سر مردم عراق و تحت نام نمایندگان موقعیت بخش صدمه‌پذیر جامعه، به طور اصلی زنان و کارگران را تحت تاثیر قرار داده است. زنان در معرض اعمال قرون وسطایی اسلام سیاسی مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران - که در حال حاضر حضور قوی در میان این جریانها

دارد - عربستان سعودی و سایر رژیمهای اسلامی که از خلا سیاسی و فقدان کنترل مردم بر زندگیشان بهره‌مند میشوند قرار دارند. زنان به عنوان شهروند درجه دوم و سوم تحقیر میشوند، به پوشیدن حجاب اسلامی مجبور میشوند. دختران توسط باندهای اسلامی در خیابانها مورد تهدید قرار میگیرند که حجاب بپوشند. در غیر اینصورت مورد تعرض قرار میگیرند و حتی کشته میشوند. از طرف دیگر باندهایی که به مجاهدین مشهورند (باصطلاح مجاهدین مقاومت) مدیران مدارس دخترانه را تهدید میکنند که مدرسه‌ها را تعطیل کنند و اعلام میکنند در غیر اینصورت مدرسه منفجر خواهد شد و مدیران کشته خواهند شد. پیام آنها اینست که باز بودن مدارس به معنای نشان دادن سمپاتی به اشغال توسط آمریکا است و بنابراین قابل مجازات است.

یک دختر دانش‌آموز از نمونه‌های واقعی تهدید که معلمان مدرسه‌اش منظم با آن مواجه هستند خبر میداد. نوجوانان و جوانان در میان آرزویشان برای آزادی و عشق به زندگی از یکطرف و نفرت و عقب‌ماندگی و سرکوبگری رایج اسلام سیاسی و قوم‌گرایان از طرف دیگر گیر کرده‌اند. مایلم اضافه کنم که زیر تظاهر به مذهب، یک احساس تحسین برانگیز تمسخر اسلام و نیروهای اسلامی از یکطرف و سکولاریسم و سرپیچی از این وضعیت از طرف دیگر وجود دارد. من همیشه اعتقاد داشته‌ام که مردم عراق غیر مذهبی هستند و هنوز هم بر این باورم. اگر آن را اعلام نمیکند به خاطر تسلط جریانهای اسلامی وحشی و آدمکشی است که یک‌تاز میدان شده‌اند. وقتی در عراق بودم متوجه شدم که در سطح اجتماعی، سکولاریسم هنوز در درون جامعه قدرتمند است.

از لحاظ سیاسی و در رابطه با باصطلاح انتخابات باید گفت که نیروهای سناریوی سیاه در حال حاضر در میان خودشان رقابت میکنند تا از طریق این بازی سیاسی تحت عنوان انتخابات به موقعیت خودشان مشروعیت بدهند. اما تلاش اینها با سردی و بیتفاوتی مردم مواجه شده است. مردم بیصبرانه در انتظار بازگشت

زندگی به حالت نرمال هستند.

انترناسیونال: مهمترین مشکلات سیاسی و اجتماعی مردم عراق در حال حاضر چه‌ها هستند؟ از نظر حزب کمونیست کارگری چه عراق راه مقابله با این معضلات چیست؟

عصام شكري: مهمترین مشکل فقدان امنیت زندگی است. مردم میخواهند زندگی نرمال و امن داشته باشند. مردم هرروز با ترس و ناامنی در خیابانها و حتی در خانه‌هایشان مواجه هستند. زندگی مدنی در عراق دائماً در حال فروپاشی بیشتر است. جامعه مدنی وجود ندارد. عراق زیر نفوذ نیروهای عقب‌مانده که توسط جنگ آمریکا و سناریویی که ایجاد کرده است به میدان آمده‌اند قرار دارد. دولت باصطلاح موقت مورد اعتماد کسی در عراق نیست و کسی به عنوان دولت روی آن حساب نمیکند. زنان بخصوص از وضعیت تاریکی رنج میبرند که در آن به شرایط قرون وسطایی و پدرسالارانه رانده شده‌اند.

زنان مورد آزار قرار میگیرند و به حاشیه رانده شده‌اند. دختران دانش‌آموز سرکوب میشوند و برای باجگیری روده میشوند. جوانان را با خرافات و مذهب مغفزشویی میکنند. در کتابهای درسی، محتوای اولترا ناسیونالیستی رژیم صدام با محتوای اولترا مذهبی و اسلام سیاسی جایگزین میشود. برای مثال، اسلام برای دانش‌آموزان پنجم دبستان توسط دو کتاب قرآن و تربیت اسلامی آموزش داده میشود. دانش‌آموزان از چیزهایی که در این کلاسها به آنها آموزش داده میشود متنفرند. کارگران، از آنجاییکه اغلب از کار بیکار شده‌اند و درآمدی ندارند، وضعیت اسفناکی دارند. بسیاری از کارگران درآمدی برای تغذیه خانواده‌هایشان ندارند. فقر شدید بخشی از مردم را مجبور کرده که به خاطر چند صد دلار در ارتش یا نیروهای آمریکا کار کنند. هزاران نفر از کارگران از امکانات ناچیزشان، از درآمد ثابت، از امنیت شغلی محروم شده‌اند و دست‌خالی در معرض سرمایه‌داران طمع و بیرحم‌رها شده‌اند. تنها راه‌ها شدن از این وضعیت جaro کردن نیروهایی است که مسببت این وضعیت هستند. آمریکا باید از عراق خارج شود و نیروهای جنایتکار اسلامی و

طبقه کارگر ستون اصلی انقلاب ایران برای آزادی و رهائی از این نظام غیر انسانی است! اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در باره اعتصاب پیروز کارگران نساجی سنندج

اطلاعیه شماره ۲۴

مذاکرات امروز کارگران نساجی کردستان با موفقیت کامل کارگران به پایان رسید.

حزب کمونیست کارگری این پیروزی را به کارگران نساجی و همه کارگران و مردم آزادیخواه تبریک میگوید

همانطور که قبلا به اطلاع رساندیم امروز از ساعت ۴ بعدازظهر به دعوت اداره کار سنندج مذاکره نمایندگان کارگران نساجی کردستان در اداره کار شروع شد. کارگران نهایتا تصمیم گرفتند پیشنهاد اداره کار که خواسته بود از هر شیفت چهار نفر بعلاوه شش نفر نماینده در مذاکره شرکت کنند، رد کنند و فقط شش نماینده را برای مذاکره به اداره کار بفرستند. بدین ترتیب مذاکره نمایندگان کارگران با حسامی رئیس سازمان صنایع، صادقی زاده رئیس اداره کار، ضامنی نماینده حراست، نجفی مدیر عامل، افشاری از مدیریت کارخانه، محمدی مسئول

روابط عمومی اداره کار، ایرج بهرام نژاد از خانه کارگر و فردی از وزارت اطلاعات که به جلسه معرفی نشد، شروع شد و پس از ۵ ساعت با گردن گذاشتن جبهه مقابل به خواستههای کارگران مذاکره در ساعت ۹ شب به پایان رسید. مدیریت و اداره کار کتبا تعهد کردند که:

- ۱- اخراجها فوراً متوقف میشود. تنها در صورت موافقت کمیسیون کار استان متشکل از نمایندگان مدیریت، استانداری، اداره کار، هیئت تشخیص و نمایندگان کارگران امکان اخراج وجود دارد.
- ۲- قراردادهای موقت سه ماهه به شش ماهه تغییر کرد. این مساله شامل ۱۹۷ نفر از کارگران قراردادی و پیمانکار میشود. بدینترتیب قرارداد شش ماهه از اول سال ۱۳۸۴ به مورد اجرا گذاشته میشود.
- ۳- درمورد شش نفر کارگر اخراجی، با استخدام آنها موافقت نشد اما قرار شد بجای اخراج شامل طرح تعدیل شوند و به ازای هرسال سابقه کار سه ماه حقوق باضافه مزایا

- ۴- ایمنی و بهداشت محیط کار مورد رسیدگی قرار میگردد. اداره کار نظارت بر این مساله را بعهده گرفته است.
- ۵- خواست سلف سرویس و یک وعده غذا مورد توافق قرار نگرفت اما کارفرما متعهد شد که بجای ماهی ۱۵۰۰ تومان ماهی ۳۰۰۰ تومان به کارگران پرداخت کند. و هرروزه شیر و کیک در اختیار کارگران قرار دهد. قبلا هفته ای دو لیوان شیر به کارگران داده میشد.
- ۶- آئین نامه انضباطی موجود قرار شد تغییر کند. آئین نامه جدید زیر نظارت اداره کار، مدیریت و نمایندگان کارگران تنظیم میشود.
- ۷- حقوقها فوراً پرداخت میشود. حقوق روزههای ۱۶ روز اعتصاب اخیر را مدیر کل اداره کار تعهد کرد به کارگران پرداخت شود. جزء توافقات کتبی قرار نگرفت.
- ۸- کمیته ای برای طرح طبقه بندی مشاغل تشکیل میشود و مابه التفاوت سالهای گذشته نیز به کارگران پرداخت خواهد شد.

این توافق نامه به امضای شش نفر نماینده کارگران آقایان شیث امانی، هادی زارعی، اقبال مرادی، حسن شریعتی، فرشید بهشتی زاد و احمد فاتحی و از طرف مقابل نماینده مدیریت، نماینده استانداری، اداره کار، هیئت تشخیص، مدیر کل صنایع، مدیر کل اداره کار، و نماینده وزارت اطلاعات رسید.

قابل توجه است که حدود ۱۲۰ نفر از کارگران نساجی از جمله دهها نفر از کارگران قبیله ای این شرکت که در طول سالهای قبل اخراج شده اند همزمان با مذاکره نمایندگان خود در مقابل اداره کار حضور داشتند و این پشتوانه ای برای این مذاکرات بود. بدنبال مذاکره، نمایندگان کارگران به کارخانه رفتند و گزارش مذاکره را به دو شیفت کارگران ارائه دادند و کارگران دستگاهها را با احساس شادی ناشی از پیروزی روشن کردند و به اعتصاب خود پایان دادند.

و بدینترتیب اعتصاب ۱۶ روزه کارگران نساجی سنندج به موفقیت بزرگی برای کارگران منجر شد. ۱۶ روز اعتصاب، ۱۶ روز

پافشاری و استقامت کارگران، ۱۶ روز تسلیم نشدن به تهدیدهای ارگانهای مختلف حکومت اسلامی، ۱۶ روز همبستگی و حمایت فزاینده سایر بخشهای طبقه کارگر و مردم مبارز سنندج و سایر شهرهایی که با ارسال تومار و به اشکال مختلف این اعتصاب را مورد پشتیبانی قرار دادند و همینطور حمایت سازمانهای کارگری که از دیروز حمایت های خود را شروع کردند، گوشه ای از این مبارزه شکوهمند بود. اعتصاب کارگران نساجی کردستان گوشه بسیار کوچکی از نیروی عظیم طبقه کارگر است که جمهوری اسلامی و ادارات مختلف آنرا به زانو درآورد و نشان داد که طبقه کارگر ستون اصلی انقلاب ایران برای آزادی و رهائی از این نظام غیر انسانی است.

زنده باد کارگران نساجی کردستان در سنندج زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران زنده باد سوسیالیسم حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ دیماه ۱۳۸۳، ۶ ژانویه ۲۰۰۵

این اطلاعیه برای چاپ در شماره قبلی آماده شده بود که اشتباها چاپ نشده بود. انترناسیونال

اطلاعیه شماره ۲۷

گزارشی از کارخانه نساجی کردستان بدنبال پیروزی اعتصاب

* دو نفر از نمایندگان کارگران برای پیگیری طرح طبقه بندی مشاغل انتخاب شدند. قرار است نمایندگان در تهران در یک دوره آموزشی شرکت کنند و سپس لیست ۱۹۷ نفره کارگران را مورد بررسی قرار می دهند و بر اساس وضعیت هر پرونده این طرح به اجرا گذاشته می شود. گفته میشود که با اجرای این طرح قرارداد کارگران قراردادی که سابقه کار طولانی در این کارخانه دارند رسمی خواهد شد. تمامی مطالبات کارگران نساجی باید پیگیری شود. هر شش کارگر اخراجی باید به سر کار برگردند. کارگرانی که در اثر شرایط نامن و غیربهداشتی کار به بیماری مبتلا شده اند باید به هزینه کارفرما و دولت بطور کامل معالجه شوند.

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ دیماه ۱۳۸۳

۱۰ ژانویه ۲۰۰۵

* بدنبال پیروزی اعتصاب، کارگران نساجی کردستان خواهان بازگرداندن شش کارگر اخراجی شدند. در اطلاعیه قبلی اطلاع داده بودیم که خواست بازگشت بکار این شش نفر از طرف مدیریت و اداره کار پذیرفته نشده بود اما قرار شده بود بجای اخراج شامل طرح تعدیل شوند و مزایائی به آنها اختصاص داده شود. کارگران مجددا بر خواست قبلی خود مبنی بر بازگشت به کار این شش نفر پافشاری کردند و صراحتی مدیر کارخانه به کارگران قول مساعد داده است.

* امروز ۲۱ دیماه (۱۰ ژانویه) کارگران بعد از ۲۱ روز حقوق خود را دریافت کردند. حقوق روزههای دومین اعتصاب به کارگران پرداخت شده است. * توزیع روزانه شیر و کیک به کارگران از امروز شروع شده است. * آیین نامه انضباطی لغو شده و کمیته انضباطی نیز منحل شده است.

ما کارگران ایران خودرو باید سنگرهای ضد کارگری را یکی پس از دیگری فتح کنیم

ایران هر روز از شرایط همیگر آگاه و باخبر میشوند. مگر میشود در شرکت سایپا شرایطی برای بازنشستگی با شرایط بهتر اعلام شود و آتوتک کارگر ایران خودرو بی توجه از کنار آن بگذرد... زمان برده داری بسر آمده، پیمانکاری چیزی جز برده داری نیست. دوستان، ما این پیروزیهایی اخیر را به همه کارگران تبریک میگوئیم و آنرا یک گام به پیش دانسته ولی آنرا ناکافی میدانیم. ما کارگران ایران خودرو باید سنگرهای ضد کارگری را یکی پس از دیگری فتح کنیم."

پیروزی کارگران ایران خودرو بدنبال پیروزی کارگران نساجی کردستان میتواند طلیعه پیروزیهایی بزرگتری برای کارگران باشد. کارگران نساجی و ایران خودرو الگوهای موفقی از مبارزه را مقابل کل طبقه کارگر گذاشتند و در مقابل تعرض دولت، کارفرما و مدیریت به سطح معیشت و امنیت شغلی خود قاطعانه ایستادند.

زنده باد کارگران ایران خودرو

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ دیماه ۱۳۸۳ - ۱۱ ژانویه ۲۰۰۵

کارگران ایران خودرو، پیروزی بعد از اعتصاب نساجی کردستان

اعتراضات کارگران ایران خودرو که از حدود شش هفته قبل شروع شده همچنان به اشکال مختلف ادامه دارد. ایران خودرو با دهها هزار کارگر نمونه مشخصی از بیحقوقی، تعرض به حقوق ابتدائی کارگران، فشار کار غیرانسانی، و مشخصا تبدیل کارگران اعتصاب کارگران پیمانکار این شرکت به کار قراردادی و تبدیل آن به استخدام رسمی و مزد برابر با کارگران رسمی بتدریج بخش زیادی از کارگران پیمانکار را در برگرفت و با حمایت کارگران رسمی مواجه شد. اعتراض کارگران همچنان ادامه دارد. کارگران پیمانکار اعلام کرده اند که دستمزد کمتر از کارگران رسمی را نخواهند پذیرفت.

در گرماگر این مبارزه مدیریت تصمیم گرفت بدون آگاهی و موافقت کارگران، وقت نهار را از ساعت ۱ بعدازظهر به ساعت ۱۲ تغییر دهد و ۳۰ دقیقه وقت غذا را به ۳۵ دقیقه با

در انترناسیونال قبلی چند نمونه از نامه های همبستگی در حمایت از اعتصاب کارگران نساجی چاپ شد. در این شماره دو نامه اعتراضی به جمهوری اسلامی و حمایت از مبارزه کارگران نساجی سندج را ملاحظه میکنید.

کنفدراسیون اتحادیه های آزاد بین المللی از کارگران نساجی کردستان اعلام پشتیبانی کرد

اطلاعیه شماره ۲۶

کنفدراسیون اتحادیه های آزاد بین المللی ICFTU در نامه ای به "کمیته حمایت از اعتصاب کارگران نساجی" حمایت و همبستگی این کنفدراسیون را که قریب ۱۷۸ میلیون در سراسر جهان عضو دارد از خواسته های کارگران نساجی کردستان اعلام کرد. متن این نامه چنین است:

"۷-۱-۲۰۰۵

کمیته عزیز حمایت از کارگران اعتصابی در سندج اعتصاب در کارخانه نساجی کردستان

ICFTU مایل است همبستگی خود را با کارگران اعتصابی در کارخانه نساجی کردستان ابراز کند. ما میدانیم که اعتصاب در ۲۲ دسامبر شروع شد و کارگران طی یکی دو ماه گذشته چند بار در کارخانه دست به اعتصاب زده اند. اعتصاب فعلی در اعتراض به اخراج تعدادی از کارگران با سابقه و جاننشین کردن آنها با کارگران موقت و خارج از پوشش قانونی است. بعلاوه به کارگران اخراج شده مبلغ ناچیزی بعنوان مبلغ بازخرد پیشنهاد شده است. و بعلاوه سال گذشته ۱۷۵ تن از کارگران اخراج شده اند.

"کنفدراسیون اتحادیه های آزاد بین المللی" خواست کارگران برای استخدام قانونی و رسمی را مورد حمایت قرار میدهد، استفاده از قراردادهای موقت را که با هدف محروم کردن کارگران از شرایط کار مناسب میباشد تقبیح میکند. آی سی اف تی یوب قبلا به حکومت علیه خارج شدن کارگران قرار داد موقت از شمول قانون کار اعتراض کرده است

ما همچنین به حکومت در مورد کارگران نساجی کردستان در رابطه با اعتصاب قبلی که سوم نوامبر پایان یافت اعتراض کردیم. در آن زمان نیروهای انتظامی

کارخانه را محاصره کرده و بی دلیل فضای متشنجی را ایجاد کرده بودند. با توجه به اینها ما در شرایط کنونی نگرانی از بکارگرفتن مجدد نیروهای انتظامی را درک میکنیم. ما در نامه اعتراضی مان در رابطه با کارگران نساجی کردستان به حکومت نوشتیم که برای جلوگیری از کشاکش های اجتماعی دولت و کارفرمایان باید به مشکلات کارگران پاسخ دهند.

CFTU وضعیت را از نزدیک دنبال میکند و ممنون میشویم اگر در صورت حاد شدن وضعیت و بکار گرفتن خشونت علیه کارگران اعتصابی، ما را مطلع کنید.

دبیر کل آی سی اف تی یو گای رایدر
یاد آوری کنیم که اعتصاب کارگران اعتصاب نساجی سندج روز ۶ ژانویه یعنی یک روز قبل از رسیدن این نامه با موفقیت به پایان رسید. علاوه بر کنفدراسیون اتحادیه های آزادی شمار دیگری از تشکلهای اتحادیه ها در سطح جهان از کارگران نساجی در سندج حمایت کردند. آی سی اف تی یو بعلاوه طی نامه ای به خاتمی به فشار و تهدید کارگران نساجی و بی حقوقی کارگران در ایران اعتراض کرده است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ دی ۱۳۸۳ - ۹ ژانویه ۲۰۰۵

نامه اعتراضی کنگره کار کانادا به خاتمی در مورد کارگران نساجی کردستان

اطلاعیه شماره ۲۸

به فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران کنت جرجی رئیس کنگره کار کانادا که ۳ میلیون عضو دارد در نامه ای به محمد خاتمی سیاستهای جمهوری اسلامی در رابطه با کارگران را مورد اعتراض قرار داد و حمایت این سازمان را از کارگران نساجی کردستان اعلام کرد. متن نامه که کپی آن به حزب کمونیست کارگری ایران ارسال شده چنین است: "آقای رئیس جمهور از طرف ۳ میلیون اعضای کنگره کار کانادا مایلیم همبستگی خودمان را به کارگران اعتصابی در کارخانه نساجی کردستان در شهر سندج در کردستان اعلام کنیم. اعتصاب که از روز ۲۲ دسامبر شروع شد آخرین اعتصاب از چندین اعتصاب کارگران طی دوماه گذشته است. اعتصاب فعلی در اعتراض به اخراج کارگران با سابقه این کارخانه و جاننشین آنها با کارگران قراردادی است که تحت پوشش قانون کار قرار ندارند. سال گذشته ۱۷۵ تن از کارگران تحت چنین شرایطی اخراج شدند. کارگران اعتصابی خواهان

بازگشت به کار کارگران اخراجی یا پرداخت میزان بازخرد مناسبتر به آنها، پایان دادن به قراردادهای موقت، شرایط کاری قابل تحمل تر و بهبود شرایط بهداشتی و اشتغال برای کارگران هستند. ICFTU که یک سازمان بین المللی است که کنگره کار کانادا نیز جزو آنست قبلا از طرف کارگران سندج و علیه کنار گذاشتن کارگران قراردادی از قانون کار به شما اعتراض کرده است. نیروهای انتظامی در آن زمان کارخانه را به محاصره در آوردند. کنگره کار کانادا و ICFTU نگران آنند که در رابطه با اعتصاب فعلی نیز چنین اقدامات سرکوبگرانه ای صورت گیرد.

بر طبق منابع ایرانی ما و ICFTU کارگران در نساجی کردستان شورایی از کارگران را برای دفاع از حقوق خود برگزیده اند اما نیروهای انتظامی و کارفرما آنها را زیر فشار گذاشته اند که اعتصاب را پایان دهند. مسئول این شورا آقای شیث امانی تاکنون چندین بار مورد بازخواست و تهدید قرار گرفته است. منابع ما معتقدند تنها حمایت و

همبستگی کارگران بوده است که مانع بازداشت او شده است. چندین تن دیگر از نمایندگان کارگران از جمله آقای هادی زارعی، اقبال مرادی حسن شریعتی و فرشید بهشتی زاد و احمد فاتحی نیز مورد تهدید قرار گرفته اند. ICFTU اعلام نگرانی کرده است که کمیسیونی که از طرف اداره کار و مقامات دیگر حکومتی برای رسیدگی به اعتصاب تشکیل شده بجای اینکه امکان مذاکره بین طرفین را تسهیل کند، کارگران را تهدید به اخراج کرده است.

آقای گای رایدر دبیر کل ICFTU در نامه ای که روز گذشته خطاب به شورای کارگران فرستاده کارگران اعتصابی را از حمایت کامل جنبش بین المللی سندیکایی اطمینان داده و قول داده است که وضعیت را با دقت تحت نظر داشته باشد، مخصوصا اگر اوضاع از این حاد تر شود و علیه کارگران اعتصابی خشونت بکار رود.

آی سی اف تی یو همچنین گفته است که تمام مواردی را که به حقوق

کارگری در ایران مربوط میشود به دقت دنبال خواهد کرد. در ۲۹ دسامبر ICFTU به حکومت تهران در رابطه با از سرگیری محاکمه هفت تن از فعالین کارگری در شهر سقز اعتراض کرد. آنها هنگامی که اول ماه مه سال ۲۰۰۴ را جشن گرفته بودند و دو روز بعد از ملاقات با هیئت کنفدراسیون اتحادیه های آزاد دسگیر شدند. گای رایدر در آخرین نامه خود به محمد خاتمی خواهان این شد که اتهامات در این رابطه کنار گذاشته شود و یا به هیئتی بین المللی از سوی ICFTU اجازه نظارت در پروسه این پرونده داده شود که مقامات ایران آنرا رد کرده اند و محاکمات از سپتامبر شروع شده است.

و در آخر آقای رئیس جمهوری شما باید آگاه باشید که کارگران در کارخانه نساجی کردستان توسط همه کارگران در سندج و مردم شهر و همینطور از جانب جنبش کارگری بین المللی حمایت میشوند. این کارگران از حق تشکیل سازمانهای مستقل و دموکراتیک کارگری علیرغم قراردادهای سازمان بین

المللی کار محروم شده اند. ما مصرأ از شما میخواهیم که در مورد این کارگران دخالت کنید و حقوق سندیکایی آنها را تامین نمایید. با احترام، کنت جرجی، رئیس کنگره کار کانادا"

اشاره کنیم که اعتصاب کارگران نساجی کردستان روز ششم ژانویه با عقب نشینی حکومت و کارفرما در برابر بخش اعظم خواسته های کارگران، پایان یافت. کنفدراسیون اتحادیه های آزاد بین المللی روز گذشته خبر پیروزی این اعتصاب را در سایت اینترنتی خود منتشر نموده است. بنا به آخرین گزارشهایی که به حزب کمونیست کارگری ایران رسیده کارگران نساجی کردستان در رابطه با بازگشت به کار شش تن از همکاران خود مصر هستند و باز خرید آنها را که توسط اداره کار و کارفرما با شرایط بهتری پیشنهاد شده بود قبول ندارند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ دی ۱۳۸۳ - ۱۱ ژانویه ۲۰۰۵

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

افسانه نروزی آزاد میشود! این یک پیروزی مهم برای جنبش ضد اعدام در ایران است!

نکند کسی را به اعدام محکوم کند. این یک مبارزه مهم بر علیه حکومت و برای سرنگونی حکومت اسلامی است. اعدام حربه اصلی حکومت اسلامی در عقب راندن مردم است و گرفتن این حربه روز مرگ حکومت اسلامی را نزدیکتر خواهد کرد.

زنده باد جنبش علیه مجازات اعدام
مینا احدی
سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۲ ژانویه ۲۰۰۵

میتینگ نبود و اگر ملاقات با مقامات کمیسیونهای حقوق بشر و تحت فشار گذاشتن آنها نبود، افسانه نروزی سال گذشته در نهایت گمنامی اعدام میشد، چنانچه تعداد زیادی شدند و کسی اسم و عکس از آنها بخاطر ندارد. عقب نشینی حکومت اسلامی را در دنیا باید جار زد و اینرا جنایتکار را با اعتراض و مبارزه و تظاهرات و افشاکاری عقب خواهیم راند و کاری خواهیم کرد که دیگر جرات

خانواده مقتول را به میدان کشیده و چنان وانمود میکنند که نبرد بین افسانه نروزی و وکیلش با خانواده مقتول است، باز قصد خاک پاشیدن بر روی واقعیت را دارند. حکومت اسلامی در سنگر دفاع از قتل عمد و اعدام انسانها در این مورد معین شکست خورده است و اینرا باید به پیشانی سران جنایتکار این حکومت چسباند. اگر اعتراض نبود، اگر سروصدا نمیشد، اگر عکس و سرگذشت افسانه نروزی در دنیا پخش نمیشد، اگر

معتراض است و نمیخواهد بیش از این شاهد کشتار و قتل انسانها به دست دولتهای دیکتاتور و ضد انسان باشد. جمهوری اسلامی در مقابل این جنبش زبونانه زانو میزند و هر بار تقلا میکند که این عقب نشینی و این عجز خود را پرده پوشی کرده و حقایق را لاپوشانی کند. اگر در این پرونده از کلمات منزجر کننده ای همچون "حفظ ناموس" و تخفیف بخاطر "حفظ ناموس" حرف میزنند، قصد اسلامی کردن و خزیدن به سنگری دیگر را دارند، اگر در این پرونده مکررا پای

افسانه نروزی، امروز یک نام معروف و آشنا برای بسیاری در ایران و در دنیا است. زنی که در اوج درماندگی و سرکوب وحشیانه حکومت، میرفت که در یک صبح تاریک و غمگین در گوشه ای از زندان در تهران و یا بندرعباس به جوخه اعدام سپرده شود، امروز با لیخندی بربل، حکم آزایش را امضا میکند. اینرا و اصلا زنده ماندنش را افسانه به یک جنبش اعتراضی وسیع در ایران و در دنیا مبدون است. جنبشی که به اعدام، به عنوان قتل عمد انسانها،

فراخوان کمیته بین المللی علیه سنگسار برای جمع آوری اسناد

با ما از طریق تلفن و یا ایمیل میتوانید تماس بگیرید.

تلفنهای تماس:
مینا احدی:

۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳
شهناز مرتب:
۰۰۴۹۱۷۲۹۷۱۶۲۲۷

ایمیل:
minaahadi@aol.com

مورد سنگسار، اظهار نظر مقامات حکومتی و یا مباحثات در این مورد را لطفا فوراً به دست ما برسانید.

کمیته بین المللی علیه سنگسار
۶ ژانویه ۲۰۰۵

کجا و کی و اسم این فرد چه بوده است.
۲- آیا بریده روزنامه و یا تاریخ و اسم روزنامه ای را که در آن اسامی سنگسار شده ها و یا احکام سنگسار اعلام شده باشد را در اختیار دارید. لطفا فوراً این اسناد را به دست ما برسانید.
۳- هر نوع اطلاعات دیگر در

اسناد و مدارک داریم. از همه شما عزیزان درخواست داریم فوراً با ما تماس گرفته و در صورت امکان، این اطلاعات را در اختیار ما قرار دهید.
۱- آیا کسی را می شناسید که سنگسار شده باشد؟ در همسایگی شما و یا در محله و شهر شما آیا خبر سنگسار کسانی را شنیده اید.

کمیته بین المللی علیه سنگسار در صدد است، بهمراه یک نهاد مدافع حقوق انسانی و یک دولت اروپایی، از جمهوری اسلامی ایران به دلیل سنگسار تعدادی از انسانها، رسماً به نهادهای بین المللی شکایت کند. ما برای تکمیل پرونده های موجود و برای تهیه لیست کامل سنگسارها در ایران احتیاج فوری به

از صفحه ۳ مصاحبه با عصام شگری

شوید. حزب ما جدید است اما تمایلات مردم عراق، کارگران، زنان و جوانان را نمایندگی میکند. استراتژی ما راه حل برای تغییر وضع کنونی در عراق را نشان میدهد. پاسخ ما در شرایط کنونی برای رها شدن از سناریوی سیاه، خروج نیروهای آمریکا و خلع سلاح نیروهای قومی و مذهبی سناریوی سیاه و برگزاری یک انتخابات واقعا آزاد در عراق است. اگر این شرایط عملی شوند یک انتخاب واقعی در عراق میتواند برگزار شود. ما از مردم میخواهیم که از برنامه و مطالبات ما حمایت کنند و به آنها فراخوان میدهیم که بازی ای که آمریکا و قیحانه اسمش را انتخاب گذاشته است را برسمیت نشناسند. ما چنین "انتخابات" و نتایجش را به رسمیت نمیشناسیم. ما میخواهیم مردم راه ما را دنبال کنند تا جامعه و مردم را از سناریوی سیاه رها کنیم. *

قومی خلع سلاح شوند. بدون این پیش شرطها نمیتوان از هیچ راه قابل اتکایی برای خروج از این وضعیت صحبت کرد.

انترناسیونال: به طور مختصر بگویید اولویتهای دور آتی چه ها هستند؟

عصام شگری: تمرکز اصلی ما اکنون روی گسترش تشکیلات و قدرتمند شدن حزب در عراق و بمیدان کشیدن مردم برای بدست گرفتن امور توسط خودشان است. در این راستا علاوه بر حزب، متشکل کردن جوانان، کارگران و زنان و ایجاد تشکلهای توده ای کارگری، سازمانهای وسیع زنان و جوانان را جزو کارهای مهم خود میدانیم.

انترناسیونال: پیامتان به مردم عراق چیست؟

عصام شگری: پیامم این است که حول آلترناتیو سوسیالیستی جمع

فراخوان به تظاهرات برای جلوگیری از اعدام ها در ایران در این میتینگ اعتراضی شرکت کنید!

جمهوری اسلامی هر روزه تعدادی از مردم را قربانی میکند و با این عمل میکوشد جو رعب و وحشت ایجاد کرده، تا به مقابله با اعتراضات فزاینده مردمی در جامعه بپردازد. باید به هر وسیله ممکن جلو این جنایت بیشترمانه جمهوری اسلامی گرفته شود. ما مخالف حکم اعدام و مخالف کشتار انسانها بهر دلیل و بهانه ای هستیم. ما از همه سازمانهای مدافع حقوق انسانی، سازمانهای مدافع حقوق زنان و همه مردم معتراض در سراسر دنیا میخواهیم که به این احکام ضد انسانی اعتراض کنند. فقط با یک اعتراض وسیع بین المللی میتوان جلو این اعمال ضد انسانی را گرفت. از شما دعوت میکنیم که در تظاهرات حزب کمونیست کارگری ایران در شهر کلن شرکت کنید.

محل تظاهرات مرکز شهر کلن
آدرس: Köln (Wallrafplatz)

زمان: جمعه ۱۴ ژانویه ۲۰۰۵ ساعت ۱۶

تلفن تماس: ۰۱۷۶۲۲۲۲۱۳۸۹ - ۰۱۷۳۷۴۵۶۲۴۳

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - کمیته کلن
۱۱ ژانویه ۲۰۰۵

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

تشکل و اتحاد و حزبیت رمز پیروزی است

پیام حمید تقوایی به کارگران نساجی سندج

بمناسبت پیروزی اعتصاب

پیام آذر ماجدی به کارگران نساجی سندج

رفقای کارگر!

پیروزی شما پس از ۱۶ روز اعتصاب و مبارزه استوار و متحد یک دستاورد ارزشمند برای کل جنبش کارگری است. این پیروزی را به همه شما تبریک میگویم. تشکل و همبستگی و سرسختی و پیگیری ای که شما در این اعتصاب از خود نشان دادید، یک دستاورد ارزشمند و یک گام بلند بجلو برای کارگران و جنبش کارگری در سراسر ایران است. اتکا به مجمع عمومی، مطالبه حقوق ایام اعتصاب، تشکیل کمیته حمایت از اعتصاب و صندوق کمک مالی به اعتصاب، این ها مهمترین دستاوردهای ۱۶ روز مبارزه و مقابله شما با دولت و کارفرما و مدیریت بود. این دستاوردهای گرانتقد باید تثبیت شود و به شیوه و سنت هر اعتصاب و مبارزه کارگری در سراسر ایران تبدیل گردد. اعتصاب پیروزمند شما یک بار دیگر با روشنی و برجستگی این حقیقت پایه ای را تاکید کرد که

قدرت کارگران در وحدت و تشکیلات است، یکبار دیگر به همه نشان داد که در برابر کارگران همبسته و متحد و متشکل هیچ نیروی تاب مقاومت ندارد. کارگران مبارز! در این اعتصاب، کارگران سراسر ایران، مردم شریف و آزادیخواه در سندج و در همه شهرها، و همه کارگرانی که از کشورهای مختلف دنیا با پیامهای پر شورشان از اعتصاب حمایت کردند، با شما و در کنار شما بودند، و حزب شما در محور این جلب همبستگی و اتحاد قرار داشت. حزب کمونیست کارگری، در تمام لحظات اعتصاب در کنار شما بود، تمام توان و امکانات خود را برای گزارشدهی و خبر رسانی از این اعتصاب به مردم ایران و جهانیان، برای جلب حمایت سازمانها و اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف، برای نشان دادن راه پیشروی در مقابله با دولت و کارفرما، و در یک کلام برای تقویت و به پیروزی

رساندن این مبارزه بکار گرفت. نقش حیاتی حزب طبقه کارگر در به ثمر رساندن مبارزات هر روزه کارگران حقیقت پایه دیگری بود که اعتصاب پیروزمند شما بروشنی در برابر چشمان همه قرار داد. رفقای کارگر، پیروزی شما پیروزی همه ماست. این پیروزی را با بکار گرفتن درسها و دستاوردهای این تجربه پر بار در مبارزه هر روزه مان با کارفرمایان و دولتماندان و در مبارزه انقلابی که در کل جامعه برای رفاه و آزادی و برابری، برای رفع تبعیض و سوسیالیسم در حال شکل گرفتن است، بزرگ برداریم. دست همه شما را بگرمی میفشارم و شادکامی و پیروزیهای باز هم بیشتری را برایتان آرزو میکنم.

حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ ژانویه ۲۰۰۵

۱۸ دیماه ۱۳۸۳

تجمع اعتراضی پرستاران در مقابل مجلس، سر آغاز یک اعتراض گسترده است

روز یکشنبه ۲۰ دیماه (۹ ژانویه)، ۳۰۰ نفر از پرستاران در مقابل ساختمان مجلس حکومت اسلامی تجمع کرده و علیه وضعیت نابسامان حرفه پرستاری در ایران، شرایط سخت و مشقت بار پرستاری، دستمزدهای کم، ساعات کار طولانی، تبعیض و فشارهای متعدد جسمی و روحی در محیط کار اعتراض کردند. در این تجمع، پرستاران بی توجهی و وعده و وعیدهای توخالی مسئولین حکومتی را مورد اعتراض قرار دادند. این حرکت اعتراضی بدنیاال ماهها مبارزات سرسختانه پرستاران، در سال گذشته و بی پاسخ ماندن خواستههای پرستاران اتفاق می افتد. حکومت اسلامی در مقابل اعتراضات قبلی پرستاران و برای ساکت کردن آنها، وعده هایی دادند که هیچکدام اجرا نشد. پرستاران در سراسر کشور از مدتی قبل به بحث و تبادل نظر پرداخته و مصمم شدند که در سراسر کشور به شرایط غیر قابل تحمل کار خود، اعتراض کرده و دور دیگری از

مبارزه را شروع کنند. بدنبال تحسن و اعتراض پرستاران در شیراز، روز یکشنبه ۲۰ دی ماه پرستاران در تهران، در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند و قرار است در مشهد و شهرهای دیگر نیز این اعتراضات ادامه یابد. پرستاران در ایران از جمله فقیرترین و تحت ستم ترین اقشار جامعه اند. عدم استخدام تعداد کافی پرستار، فشار کار و ساعات کار طولانی پرستاران، شرایط سخت کار، دستمزدهای بسیار ناچیز، فقدان امکانات بهداشتی کافی برای جلوگیری از امراض مسری به پرستاران و مبتلا شدن اکثر آنها به انواع بیماری ها و فشارهای جسمی و روحی در محیط کار، زندگی و سلامت پرستاران را بشدت بخاطر انداخته است. جمهوری اسلامی، مسبب این اوضاع و شرایط غیر قابل تصور است و تنها راه پس راندن حکومت، ایجاد تشکل، اتحاد و مبارزه یکپارچه بر علیه این حکومت است. پرستاران درست در روزهایی

اعتراض خود را آغاز میکنند که اعتصاب کارگران نساجی در سندج، حکومت را عقب رانده و تجارب گرانهایی برای مردم بجا گذاشته است. تنها با اتحاد و همبستگی در مقابل تهدیدات حکومت، ایجاد تشکل های واقعی در میان پرستاران و حمایت بخشهای دیگر مردم میتوان در این سنگر نیز حکومت را عقب راند.

حزب کمونیست کارگری ضمن پشتیبانی قاطع از مبارزه و خواستههای عادلانه پرستاران، همه پرستاران در سراسر کشور را به یک مبارزه متحدانه و همبسته دعوت کرده و از همه مردم میخواهد که بهر طریق ممکن از این مبارزه و خواستههای پرستاران دفاع کنند. اعتراض پرستاران در شیراز و تهران مقدمه یک اعتراض گسترده در سراسر کشور است و باید با حمایت وسیع مردم موفقیت آن تضمین شود. جمهوری اسلامی را باید در این سنگر نیز به زانو درآورد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ دیماه ۱۳۸۳، ۱۰ ژانویه ۲۰۰۵

همبستگی کارگری و عمومی با اعتصاب را دامن زد ویژگی مهم این اعتصاب است. و بالاخره مهمترین ویژگی این اعتصاب وجود رسانه هایی است که هر روزه اخبار این اعتصاب را به اطلاع میلیون ها نفر رساندند، رادیو و تلویزیون انترناسیونال بطور روزمره مردم را به حمایت معنوی و مادی از این اعتصاب فراخواندند. و بدین ترتیب خبر اعتصاب کارگران نساجی سندج به یکی از مهمترین اخبار روز ایران بدل شد. قرار گرفتن خبر یک اعتصاب کارگری در راس اخبار کشور از وقایع کم سابقه است که به یمن وجود رسانه کمونیستی امکان پذیر شد.

رفقای کارگر!

من در اینجا همه شما را فرا میخوانم که به حزب خود، به حزب کمونیست کارگری پیوندید تا با هم سرمایه و دولتش را نه فقط در یک نبرد، بلکه در جنگ نهایی طبقاتی شکست دهیم و بر ویرانه های سرمایه داری اسلامی جمهوری سوسیالیستی را بنا نهیم.

زنده باد اتحاد طبقاتی طبقه کارگر!
مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

آذر ماجدی

رئیس دفتر سیاسی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ دیماه ۱۳۸۳

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12

Center Frequency: 12608 MHz

Symbol Rate: 19279

FEC: 2/3

Polarization: horizontal



ترور فعالین کارگری در عراق محکوم است! ناصر اصغری

هر دو طرف این تروریسم کشته شده اند بلکه شیرازه مدنیت آن جامعه نیز از هم گسیخته شده است. ترور و ارباب فعالین کارگری نیز بدون شک در خدمت جلوگیری از مدنیت در عراق و بازسازی این مخروبه است. روز روشن باندهای اسلامی سر آدمها را بطور فجیعی از تن جدا میکنند و بی شرمانه این عمل شنیع و قرون وسطایی در رسانه های قرن بیست و یکی به نمایش گذاشته میشود. ما تنها از بلایانی که بر سر اتباع کشورهای دیگر می آیند، آنهم نه همه جانبه، خبردار می شویم؛ اما آنچه که بر سر خود آن جامعه آمده است، کمتر به بیرون از مرزهای عراق درز می کند. خبر قتل هادی صالح نیز توسط کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری که کنفدراسیون اتحادیه کارگری عراق عضو آن است، به بیرون از عراق درز کرده است. ظاهراً وضع بسیار وخیم تر از آنی است که حتی بتوان تصورش را کرد. کسی که از خانه اش برای هر امری خارج شود، تضمینی نیست که برخواهد گشت. این را نمی توان زندگی گفت. باید هرچه زودتر تغییر کند. *

و آرایش جدید راست را خوب میشناسد، باید روشن و بی ابهام بگوید که آنتی فراندوم یعنی نقطه سازش جدید نمیخواهیم! یعنی مقابله قاطع در قلمرو سیاست سراسری با ضد انقلابی که بار دیگر در مقابل تلاش کارگر و انسان محروم برای آزادی به میدان آمده است! یعنی جدال طبقاتی و استراتژیک سوسیالیسم و رهائی با بربریت سرمایه داری به مراحل تعیین کننده میرسد! یعنی پیروزی کارگر و نان و آزادی برای همه از مسیر نفی رژیم سرمایه داری در ایران و مدافعینش در این صف میگذرد! *

باند سیاهی هایی که جامعه عراق را به یک جهنم تبدیل کرده اند، روز ۴ ژانویه یکی از رهبران کنفدراسیون اتحادیه های کارگری عراق را به نام هادی صالح، بعد از شکنجه هائی به قتل رساندند. اتحادیه های کارگری بر این باورند که این کار بازمانده های پلیس مخفی رژیم صدام حسین می باشد. این اولین باری نیست که فعالین کارگری توسط باند سیاهی ها ترور می شوند. بعد از سقوط رژیم صدام حسین تا بحال فعالینی از اتحادیه معلمین، انجمن پزشکان و انجمن مهندسیین قربانی ترورهای باند سیاهی ها شده اند. در ۳ نوامبر ۲۰۰۴ نیز چهار تن از فعالین اتحادیه راه آهن کشته و اجساد مثله شده شان کشف شد. دو نفر دیگر در ۲۵ دسامبر در حال کار و رانندگی قطار روده و ۵ تن دیگر مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. در جنگ تروریستها در عراق تا بحال نه تنها تعداد وسیعی توسط

شاهزاده و آیت الله و مصدقی نیمه جمهوریخواه تا سلطنت طلب و مسلمان دگر اندیش، از هزیمت کردگان دو خرداد تا کسانی که با قیقه قلابی "لائیک و سکولار" دوره ای نان خوردند، در صفی کنار هم قرار میگیرند تا اعلام کنند که علیرغم هر مشکل خانوادگی و جنبشی، نقطه اشتراکی واحد دارند: آنتی انقلاب!

در مقابل این صف مفلوک که هر روز به لباسی ارتجاعی و بوگندو ملبس میشود، صف نفی وضع موجود باید راه طوفان انقلاب و سوسیالیسم را بگوید و هموار کند. این صف نیز که ماهیت جست و خیز

سوسیالیسم را عقب براند متوسل شود. "گفتمان فراندوم" این مرتجعین سیاسی ادامه حمایت از "خمینی ضد امپریالیست" است، ادامه رویای "ایران ژاپن میشود" رفسنجانی است، ادامه دو خرداد و اصلاحات دینی و "پروتستانتیسم اسلامی" است، ادامه پروژه دو هفته ای نوبل است، ادامه تناقض پایه ای رژیم سرمایه داری در ایران و ناتوانی آن برای تبدیل شدن به یک حکومت متعارف است، ادامه مقابله با انقلاب ۵۷ است که با قساوت بخوش کشیدند اما امروز قویتر قد علم کرده است.

جنبش و مردمی که طی این سالها و در شرایط سخت و پیچیده "نه" گفته است امروز نیز به این کمند تراژدی جدید "نه" میگوید. این جنبش محق و مخیر نیست که بایستد، باید وضع موجود را نفی کند، نیروهای بازدارنده را کنار بزند، و صف مستقل و طبقاتی خود را برای الغا و درهم شکستن همه جانبه شرایط و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی و اقتصادی موجود قویتر به میدان بیاورد. در دوره های انقلابی و شرایطی که بورژوازی به روشهای قدیم نمیتواند حکومت کند و مردم دیگر نمیخواهند بپذیرند، صف بورژوازی دیدنی است. بیشتر از هر سیرک و فیلم کمند دیدنی است. چهره ها و شخصیت هائی که سرعت رنگ میبازند و به پشت صحنه میروند، شعارها و مقولاتی که ارزش مصرفشان کمتر از شیر پاستوریزه سوپرمارکتها میشود، "توکران بی اختیاری" که نیامده دود میشوند و به هوا میروند، و مردمی که قبول نمیکند و بجز نخواستن و نخواستن انگار چیزی "سرخشان نمیشود!" فراندوم این فرزند ناقص الخلقه بورژوازی که قرار است از ترس انقلاب، "انقلابی" شود اما لباس مخملی بپوشد، بدنی نیامده مرحوم میشود! انقلاب و ضد انقلاب در قامت روشنتر و طبقاتی تر و کلاسیک تری در مقابل هم قرار میگیرند و کل پرده ساتر و حجاب اختناقی که بر سیاست کشیده شده به کناری میروند! دمکراتها و "لیبرالها" ی دیروزی طرفدار جناب سرهنگ ها و ساواکی ها میشوند و شکنجه گران و طراحان سپاه مخوف پاسداران اسلام به مرض "گفتمان دمکراتیک" مبتلا میشوند! از



در حاشیه رویدادها سیاوش دانشور

خاتون آباد، بعنوان تجربه ای از رویارویی کارگران و سرمایه داران، عزم طبقه کارگر برای نفی نظام موجود و تلاش برای برپائی سوسیالیسم و حکومت کارگری را تعمیق کرد.

مجموعه اوضاع و احوال سیاسی و تغییر تناسب قوای مردم و رژیم اسلامی، پیروزی اخیر کارگران نساجی سنج و ایران خودرو، ۱۶ آذر سرخ و سوسیالیستی، فریاد شعار "سوسیالیسم بیاخیز برای رفع تبعیض"، به میدان آمدن گسترده تر صف همبستگی کارگری در ایران و جهان، و عروج حزب کمونیست کارگری و تریبونهای کارگری و سوسیالیستی اش در میان میلیونها خانواده کارگری و مردم آزادیخواه ایران، نشان میدهند که کشتار خاتون آباد نه فقط به اهداف خود نرسیده است بلکه رویارویی کارگران و سرمایه داران را تعمیق کرده است. در سالگرد این جنایت رژیم اسلامی لازم است بخشهای مختلف جنبش کارگری و مردم آزادیخواه علیه جمهوری اسلامی اقدامات متنوعی را در دستور بگذارند. کمونیستها جان باختگان خود را در هاله ای از ابهام و توهم خرافی و مذهبی نمی بینند، اما باید از دریچه واقعه خاتون آباد ادعای کارگری و همبستگی طبقاتی علیه وضع موجود در ابعاد سراسری قد علم کند. یاد کارگران خاتون آباد را گرامی بداریم!

آنتی فراندوم

صف بورژوازی ایران دیدنی است. صفی متشست، درهم ریخته، ورشکسته، بی افق، و وحشت زده از انقلاب علیه وضع موجود! موقعیت جنبشها و سنتهای سیاسی بورژوازی ایران چه در حاشیه حکومت و چه در بیرون حکومت، انعکاس آینه ای است که این طبقه برای مردم و طبقه کارگر ایران ترسیم میکنند. این جماعت عادت دارد که هر گندابی را مزمه کند، به هر ریسمن پوسیده ای چنگ بزند، به هر روشی که شاید جنبش آزادی و برابری و انقلاب و

سالروز جنایت خاتون آباد
سال گذشته در چهارم بهمن ماه رژیم اسلامی صف کارگران معترض و گرسنه خاتون آباد را بگلوله بست. پرونده قتل عام خاتون آباد و شهر بابک پرونده ای مفتوح است. خاتون آباد اولین صحنه شلیک به کارگران در رژیم اسلامی نبود. اولین بار در سال ۵۸ بود که رژیم اسلامی تظاهرات کارگران بیکار در اصفهان را به گلوله بست. در ۲۵ سال گذشته تعداد زیادی از فعالین کارگری شکنجه و اعدام شدند. این پرونده مانده صدها پرونده جنایت و سببیت رژیم اسلامی، بندی از کیفرخواست کارگران و مردم محروم علیه سران و دست اندکاران این حکومت است. سال گذشته در

مطلبی پیرامون این واقعه نوشتیم: "از نظر کارگران واقعه خاتون آباد به مرگ پیمان رضی لو و امید اولادی و پنجاه هزار قربانی زلزله بم میچسبد. برای کارگران صنعت نفت و پتروشیمی، برای کارگران ماشین سازی اراک، برای کارگران ایران خورو و نساجیها، برای میلیونها خانواده کارگری که نانی در سفره ندارند، حقوق کارشان پرداخت نمیشود و یا دسته دسته اخراج میشوند، این واقعه مبنای تصمیمی جدید برای رویارویی با حکومت اسلامی سرمایه داران محسوب میشود. بیش از پیش روشن میشود که کارگران ایران، بعنوان یک طبقه، ناگزیرند که برای بقا خود و برای نجات خود و کل جامعه، انفجار محتوم را نزدیک تر کنند. جمهوری اسلامی با کشتار خاتون آباد آغاز یک دوره جدید از نبرد برسر قدرت سیاسی و سرنوشت آن در ایران را آغاز کرد. برای رژیم اسلامی، از نقطه نظر شتاب روندهای سیاسی در ایران، ممکن نیست که به قبل از واقعه خاتون آباد و شهر بابک برگردد. به گلوله بستن کارگران در سال ۵۸ در اصفهان و در سال ۸۲ در خاتون آباد، دو مقطع مهم در دوره های عروج و افول رژیم اسلامی و دو مقطع از دعوا برسر بقا حکومت سرمایه داری در ایران است. کشتار